

The Structural Model of Relationships Between Philosophical Mentality and Thinking Style with Socialization in Sports Managers

Ahmadreza Askari*

Department of Sports Management, Faculty of Sports Science, Isfahan branch (khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Received: 2022/03/02

Accepted: 2022/05/10

Original Research

Abstract

Objective: Employees are an important asset to any organization. Organizations around the world are investing their resources in selecting and hiring the most promising and productive employees. Organizations need to focus on their socialization process to acquaint new employees quickly and efficiently. Socialization is the process by which individuals acquire attitudes, behaviors, and knowledge needed to participate as an organizational member. The purpose of this study was to investigate the relationship of philosophical mentality and thinking style with the socialization of sports managers.

Methodology: The statistical population consisted of 140 authorities of sports boards in Isfahan Province and were all incorporated as a statistical sample due to limited samples provided. The research method was descriptive and correlational. In this research, standard questionnaires of philosophical mentality, think style and socialization were used. These questionnaires had structural validity and their formal validity and content were also confirmed by experts. Their reliability obtained by the Cronbach's alpha coefficient was 0.86, 0.81 for the philosophical mentality questionnaire and 0.91 for the Society. The Pearson correlation coefficient and regression analysis were used to determine the relationships and predict the variables. The significance level in this research was considered to be 0.05 for testing hypotheses.

Results: The findings showed that the standard coefficient between the dimension of philosophical mentality and sociology was 0.4, followed by the philosophical mentality and socialization of 0.22 and the flexibility of philosophical mentality and socialization of 0.61. Also, the standard coefficient between the legal dimension of thinking style and socialization was 0.39, between the implementation dimension of the style of thinking and socialization was 0.31 and between the judicial dimension of thinking and socialization was 0.337. The t values were positive for all dimensions of philosophical mentality and positive thinking style and were significant at the diagnostic level of $P = 0.01$. According to the values of the obtained indices, the predicted model was approved and had the goodness of fit.

Conclusion: By increasing the philosophical mentality of sports authorities and improving their thinking style, their organizational socialization is also promoted. Since in this study, the comprehensiveness of philosophical mentality was directly related to socialization, it is recommended that sports managers and officials establish an atmosphere of friendship and empathy with activities and share guidelines with employees. Also, in the selection and appointment of sports managers and officials at the macro level and in addition to emphasizing technical and executive factors, their philosophical minds and thinking styles should be examined and a fundamental review of the method of appointment should be made.

Keywords: Socialization, Philosophical Mentality, Thinking Style

مدل ساختاری روابط بین ذهنیت فلسفی و سبک تفکر با جامعه‌پذیری مدیران ورزشی

احمدرضا عسکری *

گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و سبک تفکر با جامعه‌پذیری مدیران ورزشی بود. روش‌شناسی: جامعه آماری را ۱۴۰ نفر از مسئولان هیأت‌های ورزشی استان اصفهان تشکیل دادند که به علت محدود بودن تعداد، تمام آنها به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش از پرسشنامه‌های استاندارد ذهنیت فلسفی، سبک تفکر و جامعه‌پذیری استفاده شد. این پرسشنامه‌ها دارای روایی سازه بود و روایی صوری و محتوایی آنها نیز به تأیید متخصصان رسید. پایایی آنها به روش ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ذهنیت فلسفی ۰/۸۶، سبک تفکر ۰/۸۱، و جامعه‌پذیری ۰/۹۱، به دست آمد. یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد ضریب استاندارد بین بعد جامعیت ذهنیت فلسفی و جامعه‌پذیری ۰/۴۰، بعد تعمق ذهنیت فلسفی و جامعه‌پذیری ۰/۲۲ و بعد انعطاف‌پذیری ذهنیت فلسفی و جامعه‌پذیری ۰/۶۱ است. همچنین ضریب استاندارد بین بعد قانونی سبک تفکر و جامعه‌پذیری ۰/۳۹، بعد اجرایی سبک تفکر و جامعه‌پذیری ۰/۳۱ و بعد قضایی سبک تفکر و جامعه‌پذیری ۰/۳۳۷ است. مقادیر t برای کلیه ابعاد ذهنیت فلسفی و سبک تفکر مثبت و در سطح تشخیص $P=0/01$ معنادار است. نتیجه‌گیری: با افزایش ذهنیت فلسفی مسئولان ورزشی و بهبود سبک تفکر آنها، جامعه‌پذیری سازمانی آنها نیز ارتقا می‌یابد. واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری، ذهنیت فلسفی، سبک تفکر

مقدمه

شک نیست که در دنیای امروز ورزش بر جامعه از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیر مستقیم و غیر مستقیمی دارد (Movahedi, 2021). کارکنان یک دارایی مهم برای هر سازمانند. سازمان‌ها در سراسر جهان منابع خود را برای انتخاب و استخدام امیدوارترین و مولدترین کارکنان سرمایه‌گذاری می‌کنند (Sollova, 2019) سازمان‌ها باید بر فرآیند اجتماعی شدن خود تمرکز کنند تا کارمندان جدید را سریع و مؤثر بسازند (Bauer and Erdogan, 2011).

جامعه‌پذیری فرایندی است که طبق آن افراد نگرش‌ها، رفتارها و دانش مورد نیاز برای مشارکت به عنوان یک عضو سازمان را به دست می‌آورند (Schein & Man, 1979). این فرایند شامل مؤلفه‌هایی از قبیل روش جمعی، روش رسمی و روش متوالی است که سازمان‌ها برای کاهش اضطراب مرتبط با عدم اطمینان در محیط جدید و ورود افراد تازه وارد به یک سازمان جدید و دستیابی به نگرش‌ها، رفتارها و دانش مورد نیاز استفاده می‌کنند. در فرایند جامعه‌پذیری، فرد دانش و اطلاعات و مهارت‌های لازم را برای ایفای نقش‌های سازمانی به دست می‌آورد (Schein, 1985). سازمان‌ها برای اینکه دارای افرادی باشند که این مهارت‌ها و اطلاعات را داشته باشند دست به آموزش‌هایی کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌زنند. این آموزش‌ها بسیار سودمندند زیرا باعث می‌شود کارکنان از سطح مهارت‌های فنی و کارکردی مناسبی برخوردار شوند و بدین ترتیب در سازمان‌ها کارآمدتر شده و رضایت بیشتری را تجربه کنند. در برخی موارد تغییرات در تمام سطوح سازمان، از فرد تا سازمان باعث اهمیت یافتن جامعه‌پذیری سازمانی می‌شود. افزایش تناوب تغییرات در سازمان‌ها، تغییرات متناوبی که از سطح فرد تا سطح سازمان را شامل می‌شود (Steers et al. 2014) و بی‌ثباتی حاصل از این تغییرات، موجب می‌شود افراد کارراهه^۱ طرح‌ریزی شده توسط سازمان را رها کنند و به جای آن به اهداف و کارراهه شخصی خود پایبند شوند؛ این بدان معناست که پس از هر تغییر، دوباره به جامعه‌پذیری سازمانی نیاز پیدا می‌شود. از دیدگاه منن و شاین^۱ این تغییرات باعث عدم اطمینان می‌شود و همین عدم اطمینان نیاز به نیرویی دارد که باعث خارج کردن کارکنان از شک شود و جامعه‌پذیری در چنین شرایطی می‌تواند راهگشا باشد (Schein & Maneen, 1979). امروزه رعایت هنجارها و مقررات اجتماعی و احترام به حقوق دیگران یکی از اصول اولیه زندگی است (Naderian Jahromi, Akhavan, 2021).

یکی از متغیرهای مهم سازمانی که به نظر می‌رسد بر جامعیت‌پذیری سازمانی کارکنان و مدیران اثرگذار باشد، ذهنیت فلسفی با سه بعد به هم مرتبط، یعنی جامعیت، تعمق و قابلیت انعطاف است. یافته‌های علمی نشان می‌دهند که درست اندیشیدن، اولین ملاک مدیریت است؛ مدیر در سازمان باید مانند یک محقق برای حل مشکلات به روش علمی به ابعاد مسأله نگاه کند و در برخورد با هر رخداد سازمانی و اداره امور، از اطلاعات مناسب سود جوید. همچنین مدیر باید توان نوسازی تجارب گذشته را داشته باشد تا بتواند آن را در دستیابی به اهداف سازمان مورد استفاده قرار دهد. رشد این الگوی فکری برای تصمیم‌گیری منطقی، ثبات سازمانی، درک روابط بین عوامل ایجادکننده مسأله، افزایش روحیه، همکاری و آینده‌نگری در برنامه‌ریزی به مدیر کمک می‌کند تا از فروپاشی فرد، کارکنان و سازمان جلوگیری کند (Bahari, 2016).

مدیریت تنها جمع‌آوری قوانین و مقررات بر اساس اصول و استدلال‌های علمی نیست، بلکه لازمه مدیر موفق بودن، برخورداری از ذهن فلسفی است. ذهنیت فلسفی ابزاری است برای کمک به مدیر در تفکر خود، تا تفکری جامع، عمیق و انعطاف‌پذیر داشته باشد. اینگونه تفکرات آنان را قادر می‌سازد تا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کل

1. Schein & Maneen

مؤلفه‌های سازمان کمترین خطا را مرتکب شوند و ارتباط معقولی بین جامعه و سازمان ایجاد نمایند. مدیری که دارای این ویژگی است در اعمال خود رفتاری متفاوت نسبت به مدیری که فاقد این ویژگی‌هاست دارد. آنچه مدیران را موفق می‌کند تسلط بر وظایف مدیریت و مهم‌تر از آن داشتن فلسفه‌ای برای اعمال نقش مدیریت است. ذهن فلسفی، به مدیر بینش و دانشی می‌دهد تا بتواند در مواجهه با مسائل سازمان از تنگ‌نظری، خودمحوری و یک‌جانبه‌نگری مصون بماند. همچنین به او کمک می‌کند تا با شناخت و معرفت لازم دربارهٔ امور سازمان، به‌طور منطقی تصمیم بگیرد (Nazem & Bucani, 2016). به طور کلی، فرد دارای ذهنیت فلسفی، تمام اعمال و رفتار و قضاوت‌های خود را با نشانه‌های ذهنیت فلسفی محک می‌زند (Hashemi, 1995).

متغیر مهم دیگری که به نظر می‌رسد بر جامعیت‌پذیری سازمانی کارکنان و مدیران اثرگذار بوده و با ذهنیت فلسفی در ارتباط باشد، سبک تفکر در بعد عملکردی با سه سبک قانونگذار، اجرایی و قضایی است. واژه سبک به معنای رفتار شاخص و متمایز و شیوه عمل و اجرا آمده است. در اصطلاح تخصصی سبک‌شناسی شیوه‌ای است که فرد اطلاعات را پردازش می‌کند و گویا نخستین بار این اصطلاح را روانشناسانی که در زمینه توانایی‌های حسی حرکتی پژوهش می‌کرده‌اند، توسعه داده‌اند (Bakhshayesh, 2019). واژه تفکر را می‌توان اندیشیدن، فکر کردن، تخیل، گمان کردن و مورد تأمل قرار دادن معنا کرد. بدین ترتیب معنای لغوی اصطلاح سبک تفکر، شیوه اندیشیدن و مدل فکر کردن است. اگرچه از نظر اصطلاح‌شناسی، میان نظریه‌پردازان در زمینه سبک تفکر اختلاف نظر وجود دارد؛ اما همگی در این مورد اتفاق نظر دارند که افراد برای رمزگردانی، ذخیره و پردازش اطلاعات در ذهن، شیوه ثابت و متمایزی دارند که این شیوه مستقل از هوش است (Atkinson, 1998).

استرنبرگ و ژانگ^۱ (2019) سبک‌های تفکر را شیوه‌های ترجیح داده شدهٔ افراد در تفکر و استفاده از توانایی‌های خود می‌دانند. سبک‌های تفکر توانایی نیستند بلکه شیوه ترجیحی تفکر یا به بیان دیگر روش استفاده از توانایی‌های بالقوه است (Santrock, 2019). توانایی به خوب از عهده برآمدن اشاره دارد، در حالی که سبک به این امر که فرد دوست دارد، چگونه کاری را انجام دهد اشاره دارد.

استرنبرگ و ژانگ در نظریهٔ خودحکومتی خویش معتقدند انواع شیوه‌های مختلف حکومتی که در جهان وجود دارد تصادفی نبوده بلکه انعکاس بیرونی افکار ذهنی انسان‌هاست. بر این اساس و با استفاده از استعارهٔ حکومت، استرنبرگ ۱۳ سبک تفکر را مطرح می‌کند که به پنج بعد کارکردها، شکل‌ها، سطح‌ها، حوزه‌ها و گرایش‌ها قابل تقسیم است که هر بعد به صورت زیر تعریف شده است (Sternberg & Zhang, 2019):

کارکردها: شامل سبک‌های تفکر قانونی (خلاق بودن)، قضایی (ارزیابی افراد دیگر یا بازده‌ها)، اجرایی (انجام تکالیف با توجه به دستورات داده شده).

شکل‌ها: شامل سبک‌های تفکر سلسله‌مراتبی (اولویت‌بندی تکالیف فردی)، سلطنتی (کار روی یک تکلیف در یک زمان)، الیگارش (کار روی تکالیف چندگانه بدون اولویت‌بندی)، آنارشیزم (کار روی تکالیفی بدون محدودیت دربارهٔ چه، کجا، کی و چگونه انجام دادن کارها).

سطح‌ها: شامل سبک‌های تفکر کلی (تمرکز بر تصویر کلی)، جزئی (تمرکز بر جزئیات).

حوزه‌ها: شامل سبک‌های درونی (انجام تکالیف به تنهایی)، بیرونی (کار با دیگران).

گرایش‌ها: شامل سبک‌های آزاد اندیش (اتخاذ رویکردی بدیع نسبت به انجام تکالیف) و محافظه‌کار (استفاده از شیوه‌های سنتی در انجام تکالیف)

تأثیر سبک‌های تفکر بر پیشرفت شخص موضوعی چالش برانگیز است که در مطالعات قبلی با نتایج بسیار متفاوتی مطرح شده است (Sarbaz, Banaye Yazdipour, Kimiafar, 2019)؛ بنابراین لازم است ارتباط آنها دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد. قنبری و همکارانش در مطالعه خود مشخص کردند که سبک‌های تفکر سلسله‌مراتبی و سبک‌های تفکر بیرونی به ترتیب سبک‌های تفکر قضایی، قانون‌گذاری، الیگارش، اجرایی، محافظه‌کار، لیبرال، سلطنتی، آنارشیستی، محلی، جهانی و درونی بودند. همچنین بین هیچ یک از سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی (معدل) دانشجویان کاردرمانی در این مطالعه همبستگی معناداری وجود نداشت (Ghanbari, Papi, Derakhshanfar, 2020). رستگار و فاضلی در مطالعه خود مشخص کردند رابطه مستقیم بین ذهنیت فلسفی و ابعاد آن (جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری) با میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی معلمان وجود دارد (Rastegar, fazeli, 2018) نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری گروزا و همکارانش^۱ تأیید می‌کند که سبک تفکر قضایی تأثیر مثبتی بر خلاقیت دارد (Groza et al., 2016). همچنین نتایج پژوهش محمدی گوندره نشان داد بین سبک‌های تفکر با مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد (Mohammadi Gundareh, 2012).

در این پژوهش به دلیل خلأ پژوهش‌های قبلی که به بررسی تأثیر سبک‌های تفکر در بعد کارکردی (قانونی، قضایی و اجرایی) بر جامعه‌پذیری افراد نپرداخته‌اند تصمیم گرفته شد، سبک تفکر از بعد کارکردی که به خلاق بودن، ارزیابی افراد و انجام تکالیف با توجه به دستورهای مورد بررسی قرار گیرد و رابطه این سبک با جامعه‌پذیری در بین مدیران ورزشی بررسی شود؛ بنابراین هدف دیگر این پژوهش این است که به بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر با جامعه‌پذیری نیز بپردازد و به سؤال اصلی تحقیق مبنی بر اینکه آیا ذهنیت فلسفی و سبک تفکر با جامعه‌پذیری مدیران ورزشی رابطه دارد، پاسخ دهد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت توصیفی-همبستگی است که جمع‌آوری داده‌های آن به صورت پیمایشی صورت پذیرفته است. جامعه آماری این تحقیق رؤسا، نواب و دبیران هیأت‌های ورزشی استان اصفهان بود که در مجموع ۱۴۰ نفر می‌شوند. به دلیل تعداد محدود، پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار تمام افراد مذکور قرار گرفت. در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسشنامه استفاده شد. بر این اساس برای سنجش متغیر جامعه‌پذیری از پرسشنامه استاندارد جونز^۲ (1986) با سه مؤلفه روش جمعی، روش رسمی و روش متوالی؛ برای سنجش متغیر سبک تفکر از پرسشنامه استرنبرگ و واگنر^۳ (1992) با مؤلفه‌های جامعیت، تعمق و قابلیت انعطاف و برای سنجش متغیر ذهنیت فلسفی از پرسشنامه معتبر و استاندارد ذهنیت فلسفی (PMQ) در بعد عملکردی با مؤلفه‌های قانونگذار، اجرایی و قضایی که با اقتباس از پرسشنامه مدل اسمیت^۴ (1956) تهیه گردیده و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. این ضریب برای پرسشنامه جامعه‌پذیری ۰/۹۱؛ سبک تفکر ۰/۸۱ و ذهنیت فلسفی ۰/۸۶ به دست آمد که نشان از پایایی مطلوب این پرسشنامه‌ها دارد. پرسشنامه‌های پژوهش دارای روایی سازه بود. برای سنجش روایی صوری و محتوایی آنها از نظرات ۱۰ تن از استادان برجسته مدیریت ورزشی استفاده شد. بدین واسطه در ارائه چارچوبی مفهومی و صوری مناسب برای پرسشنامه و ادبیات

1. Groza et al.

2. Jones

3. Sternberg and Wagner

4. Smith Model

گویه‌ها، توجه و اصلاحات لازم صورت پذیرفت. برای تحلیل داده‌ها در بخش آمار استنباطی، از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون برای تعیین ارتباط و پیشگویی متغیرها استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده و سطح معناداری در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج مشخص نمود ۶۹/۳ درصد از پاسخ دهندگان مردان و ۳۰/۷ درصد از آنها زنان بودند؛ بنابراین تقریباً دو سوم نمونه مورد مطالعه را مردان تشکیل داده‌اند همچنین مشخص شد که ۱۰/۷ درصد از نمونه مورد مطالعه دارای ۳۰ سال و کمتر، ۵۲/۹ درصد بین ۳۱-۴۰ سال و ۳۶/۴ درصد دارای ۴۱ سال سن و بیشتر بودند. در ادامه جدول شماره ۱ نتایج شاخص‌های متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های نمرات ابعاد ذهنیت فلسفی

متغیرها	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	دامنه تغییرات
ذهنیت فلسفی	۳/۱۷	۰/۳۵	۲/۶۳	۳/۸۷	۱/۲۳	
سبک تفکر	۳/۴۸	۰/۵۹	۲/۲۷	۴/۵	۲/۲۳	
جامعه‌پذیری	۳/۴۴	۰/۵۳	۲/۴	۴/۲	۱/۸	

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین نمرات کل ذهنیت فلسفی ۳/۱۷ با انحراف معیار ۰/۳۵ بوده است؛ بنابراین میانگین نمرات کل ذهنیت فلسفی بالاتر از حد متوسط است و میانگین نمرات کل سبک تفکر ۳/۴۸ با انحراف معیار ۰/۵۹ و میانگین نمرات کل جامعه‌پذیری ۳/۴۴ با انحراف معیار ۰/۵۳ بوده است. جدول ۲ نتایج آزمون رگرسیون چندگانه بر تبیین و پیش‌بینی جامعه‌پذیری را از طریق متغیر ذهنیت فلسفی نشان می‌دهد.

جدول ۲: رگرسیون چندگانه بر تبیین و پیش‌بینی جامعه‌پذیری از ذهنیت فلسفی

منبع تغییرات	شاخص‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
رگرسیون	۳۰/۳۶۹	۳	۱۰/۱۲۳	۱۶۹/۷	۰/۰۰۰	
باقیمانده	۸/۱۰۹	۱۳۶	۰/۰۶			
کل	۳۸/۴۷۸	۱۳۹				

$R=0/888$, $R2=0/789$ ، یافته، $R2=0/785$ تعدیل یافته،

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی چندگانه بین ابعاد ذهنیت فلسفی و نمرات جامعه‌پذیری ۰/۸۸۸ و ضریب تعیین ۰/۷۸۹ و ضریب تعیین اصلاح شده ۰/۷۸۵ است. این ضریب نشان می‌دهد که ۷۸/۵ درصد از واریانس مربوط به نمرات جامعه‌پذیری با ابعاد ذهنیت فلسفی یعنی جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری، قابل توصیف و تبیین است. مقدار F محاسبه شده نیز با ۳ و ۱۳۶ درجه آزادی در سطح تشخیص $P=0/01$ معنادار است. جدول ۲ نیز بیانگر تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی جامعه‌پذیری بر اساس ابعاد ذهنیت فلسفی است.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی جامعه‌پذیری براساس ابعاد ذهنیت فلسفی

P	T	β	SEB	B	شاخص‌ها
					ابعاد ذهنیت فلسفی
۰/۰۰۷	۲/۷۳	-	۰/۲۳۳	۰/۶۳۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۱۰/۱	۰/۴۰۱	۰/۰۴۶	۰/۴۶۵	جامعیت
۰/۰۰۱	۳/۸۵	۰/۲۱۶	۰/۰۸۸	۰/۳۳۹	تعمق
۰/۰۰۱	۱۰/۹۳	۰/۶۰۸	۰/۰۴۴	۰/۴۸۴	انعطاف‌پذیری

نتایج جدول ۳ نیز نشان می‌دهد که ضریب استاندارد بعد جامعیت و جامعه‌پذیری ۰/۴۰۱، بعد تعمق و جامعه‌پذیری ۰/۲۱۶ و بعد انعطاف‌پذیری و جامعه‌پذیری ۰/۶۰۸ بوده است. مقادیر t مشاهده شده برای کلیه ابعاد مثبت بوده و در سطح تشخیص $P=0/01$ معنادار است؛ بنابراین ابعاد ذهنیت فلسفی به طور جداگانه نیز با جامعه‌پذیری رابطه مثبت معناداری داشته‌اند. معادله پیش‌بینی در این مدل عبارت است از:

$$\hat{Y} = 0/401X_1 + 0/216X_2 + 0/608X_3$$

جدول ۴ نتایج آزمون رگرسیون چندگانه بر تبیین و پیش‌بینی جامعه‌پذیری از طریق متغیر سبک تفکر را نشان می‌دهد.

جدول ۴: رگرسیون چندگانه بر تبیین و پیش‌بینی جامعه‌پذیری از سبک تفکر

P	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	شاخص‌ها
					منبع تغییرات
۰/۰۰۲	۲۴۵/۶۳	۱۰/۸۲۸	۳	۳۲/۴۸۳	رگرسیون
		۰/۰۴۴	۱۳۶	۵/۹۹۵	باقیمانده
			۱۳۹	۳۸/۴۷۸	کل

$R=0/919$, $R^2=0/844$ تعدیل یافته، $R^2=0/841$

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد همبستگی چندگانه بین ابعاد سبک تفکر و نمرات جامعه‌پذیری ۰/۹۱۹ و ضریب تعیین ۰/۸۸۴ و ضریب تعیین اصلاح شده ۰/۸۴۱ است. این ضریب نشان می‌دهد که ۸۴/۱ درصد از واریانس مربوط به نمرات جامعه‌پذیری با ابعاد سبک تفکر یعنی ابعاد قانونی، اجرایی و قضایی قابل توصیف و تبیین است. مقدار F محاسبه شده نیز با ۳ و ۱۳۶ درجه آزادی در سطح تشخیص $P=0/01$ معنادار است.

جدول ۵: تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی جامعه‌پذیری براساس ابعاد سبک تفکر

P	T	β	SEB	B	شاخصها
					ابعاد سبک تفکر
۰/۰۰۰	۵/۵۲	-	۰/۱۰۸	۰/۵۹۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۸/۱۴	۰/۳۹۳	۰/۰۳۶	۰/۲۹۲	قانونی
۰/۰۰۰	۶/۲۷	۰/۳۱۳	۰/۰۳۸	۰/۲۳۸	اجرایی
۰/۰۰۰	۶/۸	۰/۳۳۷	۰/۰۴۲	۰/۲۸۹	قضایی

نتایج جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که ضریب استاندارد بین بعد قانونی و جامعه‌پذیری ۰/۳۹۳، بعد اجرایی و جامعه‌پذیری ۰/۳۱۳ و بعد قضایی و جامعه‌پذیری ۰/۳۳۷ بوده است. مقادیر t برای کلیه ابعاد مثبت بوده و در سطح تشخیص $P=0/01$ معنادار است؛ بنابراین ابعاد سبک تفکر به طور جداگانه نیز رابطه مثبت معناداری با جامعه‌پذیری داشته‌اند. معادله پیش‌بینی در این مدل عبارت است از: $\hat{Y} = 0/393X_1 + 0/313X_2 + 0/337X_3$

جدول ۶: مدل ساختاری روابط بین متغیرهای برون‌زا و درون‌زا

P	F	R ² اصلاح شده	T	Beta	B	اثرات	
						متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین مدل
۰/۰۰۰	۵/۱۶	۰/۹۱					ذهنیت فلسفی
۰/۰۰۰			۶/۷۲	۰/۳۲۸	۰/۴۵۴	جامعه‌پذیری	سبک تفکر
۰/۰۰۰			۷/۶۱	۰/۵۸۷	۰/۷۷۵		

داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که ذهنیت فلسفی با ضریب بتای ۰/۳۲۸ و سبک تفکر با ضریب ۰/۵۸۷ هریک به صورت مستقیم بر جامعه‌پذیری تأثیر دارد و این تأثیرات با توجه به مقادیر به دست آمده معنادار است. همچنین مدل نشان می‌دهد که ضریب تعیین ۰/۹۱ بوده و از نظر آماری معنادار است؛ بنابراین ذهنیت فلسفی و سبک تفکر در تعامل با یکدیگر می‌توانند نود و یک درصد از واریانس نمرات جامعه‌پذیری را تبیین نمایند.

جدول ۷: ضرایب مدل تحلیل عاملی تأییدی برای متغیر پنهان ذهنیت فلسفی

شاخص‌ها	بارهای عاملی استاندارد شده (لامبدا)	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
ابعاد ذهنیت فلسفی				
جامعیت	۰/۶۷	۰/۰۴۵	۱۸/۸	۰/۰۰۰
تعمق	۰/۷۷۶	۰/۱۰۶	۱۰/۹	۰/۰۰۰
انعطاف‌پذیری	۰/۷۵۲	۰/۱۱	۱۱/۲	۰/۰۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب لامبدا بین جامعیت و ذهنیت فلسفی ۰/۶۷ و بین تعمق و ذهنیت فلسفی ۰/۷۷۶ بین انعطاف‌پذیری و ذهنیت فلسفی ۰/۷۵۲ بوده است؛ بنابراین ضرایب استاندارد نشان می‌دهد که هریک از ابعاد با ذهنیت فلسفی همبستگی بالایی دارند. مقادیر نسبت بحرانی به دست آمده برای کلیه ابعاد نیز در سطح $\alpha=0/01$ معنادار بوده است؛ بنابراین مدل اندازه‌گیری ذهنیت فلسفی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۸: ضرایب مدل تحلیل عاملی تأییدی برای متغیر پنهان سبک تفکر

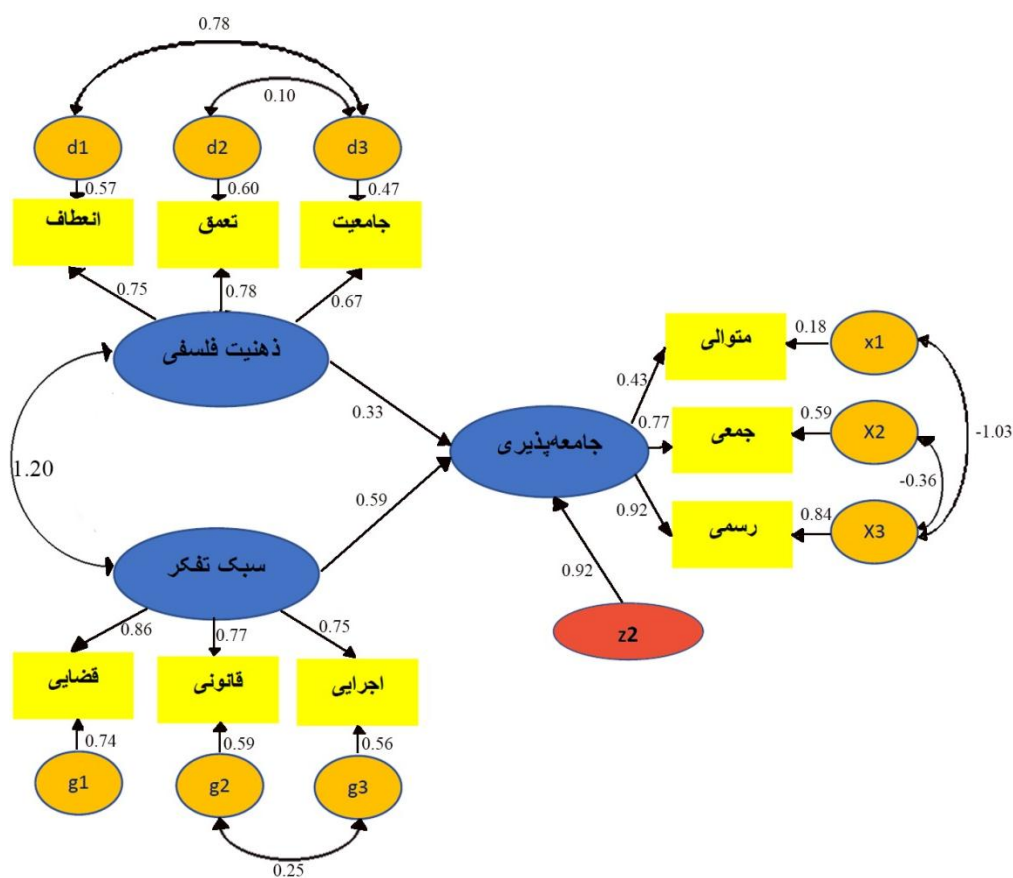
شاخص‌ها	بارهای عاملی استاندارد شده (لامبدا)	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
ابعاد سبک تفکر				
قانونی	۰/۸۶۲	۰/۱۲	۱۱/۵	۰/۰۰۰
اجرایی	۰/۷۶۸	۰/۰۹۸	۱۱/۷	۰/۰۰۰
قضایی	۰/۷۴۶	۰/۰۷۵	۱۲/۸	۰/۰۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب لامبدا بین بعد قانونی و سبک تفکر ۰/۸۶۲ و بین بعد اجرایی و سبک تفکر ۰/۷۶۸ و بین بعد قضایی و سبک تفکر ۰/۷۴۶ بوده است. ضرایب استاندارد نشان می‌دهد که این ابعاد همبستگی بالایی با سبک تفکر دارند. مقادیر نسبت بحرانی به دست آمده برای کلیه ابعاد نیز در سطح $\alpha=0/01$ معنادار بوده است؛ بنابراین مدل اندازه‌گیری سبک تفکر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۹: ضرایب مدل تحلیل عاملی تأییدی برای متغیر پنهان جامعه‌پذیری

ابعاد جامعه‌پذیری	شاخص‌ها	بارهای عاملی استاندارد شده (لامبدا)	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معناداری
متوالی		۰/۴۲۶	۰/۰۸	۴/۱	۰/۰۰۰
رسمی		۰/۷۶۷	۰/۰۳۷	۱۱/۳	۰/۰۰۰
جمعی		۰/۹۱۷	۰/۰۶	۱۱/۸	۰/۰۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ضریب لامبدا بین بعد متوالی و جامعه‌پذیری ۰/۷۳ و بین بعد رسمی و جامعه‌پذیری ۰/۸۶ و بین بعد جمعی و جامعه‌پذیری ۰/۸۹ بوده است. ضرایب استاندارد نشان می‌دهد که این ابعاد همبستگی بالایی با جامعه‌پذیری دارند. مقادیر نسبت بحرانی به دست آمده برای کلیه ابعاد نیز در سطح $\alpha=0/01$ معنادار بوده است؛ بنابراین مدل اندازه‌گیری جامعه‌پذیری مورد تأیید قرار می‌گیرد.



شکل ۱: روابط ساختاری بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک

جدول ۹: شاخصهای برازش مدل معادله ساختاری (مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری)

انواع شاخص‌ها	شاخص‌های برازش	مقدار	ارزبایی
مطلق	CMIN/DF GFI AGFI	۳/۸۲	تأیید
		۰/۹۳۳	تأیید
		۰/۸۶۷	تأیید
تطبیقی	IFI TLI CFI	۰/۸۹۷	تأیید
		۰/۸۱۱	تأیید
		۰/۸۸۶	تأیید
مقتصد	PRATIO RMSEA	۰/۳۲	تأیید
		۰/۱	تأیید

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود نسبت کای اسکور به درجه آزادی کمتر از ۴، شاخص نیکویی برازش و اصلاح شده دارای مقادیر نزدیک به ۰/۹ و مقدار شاخص برازش افزایشی و شاخص برازش توکر لویس و شاخص برازش تطبیقی نزدیک به یک و شاخص نسبت اقتصاد کمتر از یک و شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد از شاخص‌های مقتصد نزدیک به صفر است؛ بنابراین با توجه به مقادیر شاخص‌های به دست آمده، مدل پیش‌بینی شده مورد تأیید قرار گرفت و از برازش خوبی برخوردار بود؛ به عبارت دیگر بر اساس نتایج شکل ۱ ارتباط مستقیم ذهنیت فلسفی با جامعه‌پذیری و ارتباط غیر مستقیم آن با جامعه‌پذیری از طریق سبک تفکر، همچنین ارتباط مستقیم سبک تفکر با جامعه‌پذیری تأیید گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

شکست یا موفقیت هر سازمان تا حدود زیادی به کیفیت مدیریت و رفتار مدیران آن بستگی دارد (Rafeei, Nazari, Niazy 2022) همچنان که ذکر گردید جامعه‌پذیری فرایندی است که طبق آن افراد نگرش‌ها، رفتارها و دانش مورد نیاز برای مشارکت به عنوان یک عضو سازمانی را به دست می‌آورند؛ این در صورتی است که متغیرها و مسائل گوناگون و متعددی می‌تواند بر آن اثرگذار باشد.

نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد بین ابعاد ذهنیت فلسفی و نمرات کل این متغیر با جامعه‌پذیری سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که با نتایج تحقیق رستگاری و فاضلی (2019) همخوانی دارد؛ این بدان معناست که با افزایش ذهنیت فلسفی مسئولان ورزشی، جامعه‌پذیری سازمانی آنها نیز ارتقا می‌یابد. بر اساس نتایج، بعد جامعیت ذهنیت فلسفی رابطه قوی‌تری با جامعه‌پذیری دارد و ابعاد تعمق و انعطاف‌پذیری در مرتبه‌های بعدی قرار دارند.

ویژگی ذهن فلسفی در بعد جامعیت نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه وسیع، ارتباط دادن مسائل آتی به اهداف درازمدت و به کار بردن قدرت تعمیم و شکیبایی در تفکرات عمیق است. مسئولانی که دارای ویژگی بعد تعمق هستند، نحوه تفکر خود را دگرگون ساخته و مسائل اطراف خود را قطعی نمی‌شمارند و همیشه به آنها با تردید می‌نگرند و برای مسائل و امور تلویحی روش قیاسی را به کار می‌برند به طوری که این ویژگی‌ها باعث تقویت جامعه‌پذیری و بهبود عملکرد در آنها می‌گردد. از آنجا که ویژگی‌های ذهنی در بعد انعطاف‌پذیری، رها شدن از جمود فکری و ارزش‌سنجی افکار بدون توجه به منبع آنها و توجه به جنبه‌های گوناگون مسائل است، مسئولان با داشتن ویژگی‌های ذهنیت فلسفی دید وسیعی نسبت به قضایا داشته و به امور و روابط فردی حساسند و از جمود فکری دور و در قضاوت‌ها از خود سعه صدر نشان می‌دهند؛ به طوری که این شکیبایی در قضاوت‌ها باعث جامعه‌پذیری می‌گردد.

این مسئولان دارای ویژگی‌هایی از قبیل اعتماد به نفس، کوشا برای رفع مشکلات، شجاع و جسور، دارای ایده‌ها و طرح‌های جدید، دارای روحیه‌ی توجه به عقاید و نظرات دیگران و احترام گذاشتن به ایده‌های دیگران، همچنین ارتباط عمیق و صمیمی با دیگرانند که وجود چنین ویژگی‌هایی تأثیر مثبتی در روابط آنان با کارکنان و حتی ورزشکاران خواهد داشت. مسئولان دارای ذهنیت فلسفی بالا در مجموع عملکرد مناسبتری دارند. تقویت ذهنیت فلسفی مدیران و مسئولان ورزشی، آنها را قادر خواهد ساخت تا با تسلط بر وظایف خود، مسائل و مشکلات را با دید جامع بنگرند و بتوانند بدین واسطه اصول مدیریتی خود را به صورت بهتری انجام دهند.

نتایج پژوهش حاضر رابطه‌ی مثبت و معناداری را بین ابعاد سبک تفکر و نمرات کل این متغیر با جامعه‌پذیری سازمانی نشان داد که با نتایج تحقیق محمدی گوندره (2013) همخوانی دارد. این بدان معناست که با بهبود سبک تفکر مسئولان ورزشی، جامعه‌پذیری سازمانی آنها نیز ارتقا می‌یابد. بر اساس نتایج، بعد قانونگذار سبک تفکر، رابطه‌ی بیشتری با جامعه‌پذیری دارد و ابعاد قضایی و اجرایی در مرتبه‌های بعدی قرار دارند.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، از آنجا که مدیران و مسئولان ورزشی در این پژوهش دارای ذهنیت فلسفی در سطح متوسط بوده و بعد جامعیت بیشترین تأثیر را بر جامعه‌پذیری داشت، پیشنهاد می‌گردد برای تقویت و توسعه‌ی آن، مدیران و مسئولان، مسائل و کارکردهای گوناگون سازمان خود را در ارتباط با یکدیگر در نظر بگیرند و از تصمیم‌گیری‌های عجولانه پرهیز نمایند. این رویکرد امکان برقراری ارتباط عمیق و صمیمانه با کارکنان را فراهم می‌کند و موجب عملکرد بهتر آنان در شاخص‌های مربوط می‌گردد.

با توجه به اینکه در این پژوهش بعد انعطاف‌پذیری ذهنیت فلسفی مدیران و مسئولان ورزشی بر جامعه‌پذیری آنان تأثیر دارد، پیشنهاد می‌گردد مدیران به هنگام مواجهه با شرایط جدید و رویکردهای نو، از مشاوره‌ی گروهی بهره گرفته تا بدین وسیله موجبات افزایش سازگاری و احساس تعلق خاطر را فراهم نمایند تا در زمینه‌های مختلف عملکرد بالاتری داشته باشند.

از آنجا که در این پژوهش بعد جامعیت ذهنیت فلسفی ارتباط مستقیمی با جامعه‌پذیری دارد، پیشنهاد می‌شود مدیران و مسئولان ورزشی، جوی از دوستی و همدلی همراه با رهنمودهای اشتراکی با کارکنان برقرار سازند. برنامه‌های ویژه‌ای برای تقویت ذهن فلسفی مسئولان ورزشی تدوین و اجرا شود. پیشنهاد می‌گردد با توجه به نتایج تحقیق که سبک تفکر قانون‌گذار در گام اول، سبک تفکر قضایی در گام دوم و سبک تفکر اجرایی به عنوان گام سوم که در پیش‌بینی جامعه‌پذیری سازمانی مدیران و مسئولان ورزشی مؤثر واقع شده‌اند، باید بر روی این سبک‌های تفکر توسط مدیران سطوح بالاتر برنامه‌ریزی شود تا شاهد مدیران موفق در این عرصه‌ها باشیم.

در پایان نتیجه‌گیری می‌شود که در سطح کلان در گزینش و انتصاب مدیران و مسئولان ورزشی لازم است علاوه بر تأکید بر عوامل فنی و اجرایی، ذهن فلسفی و سبک تفکر آنان نیز مورد بررسی و توجه قرار گیرد و بازنگری اساسی در شیوه‌ی انتصاب صورت پذیرد تا مدیران متخصص و شایسته به کار گمارده شده و شاهد تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای کارآمدتری باشیم.

منابع

- Atkinson, S. (1998). Cognitive style in context of design and technology project work: *Education Psychology. An International Journal of Experimental Educational Psychology*, 18(2), 183 -194.
- Bakhshayesh, A. (2019). A comparative study of the relationship between thinking styles and learning strategies with academic performance among female students of Yazd public and free universities, *Women and Society Quarterly*, issue 4, 138 – 155. (Persian)

- Bauer, T. N., & Erdogan, B. (2011). Organizational socialization: The effective onboarding of new employees. In S. Zedeck (Ed.), *APA handbook of industrial and organizational psychology*, Vol. 3. Maintaining, expanding, and contracting the organization, pp. 51-64. American Psychological Association. <https://doi.org/10.1037/12171-002>
- Damerchili, F., & Rasulnegkad A. (2009). Investigating the relationship between philosophical mentality and the level of creativity of faculty members of Islamic Azad universities in Zanjan province, *Higher Education Quarterly*, No. 12, 125-144. (Persian)
- Ghanbari, S., Papi, M., & Derakhshanfard, S. (2020). Relationship between thinking styles and the academic achievement of occupational therapy students in Iran, *Journal Education Health Promot*, 9(82). <https://www.jehp.net/text.asp?2020/9/1/82/283360>
- Groza, M.D. (2016). Linking thinking styles to sales performance: The importance of creativity and subjective knowledge, *Journal of Business Research*, 69(10), 4185-4193. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jbusres.2016.03.006>
- Hashemi, S., Sadeghifard, A., & Hemati, A. (2011). A survey of the relationship between the thinking styles and innovation among the principals of schools in lamerd. *Curriculum Plannning Knowledge & Research in Educational Sciences*, 8(30), 63-72. (Persian) <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=248079>
- Maanen, J.V., & Schein, E.H. (1979). Toward a theory of organizational socialization, *Research in Organizational Behavior*, 1(1), 209-264. [https://www.scrip.org/\(S\(1z5mqp453ed%20snp55rrgict55\)\)/reference/referencespapers](https://www.scrip.org/(S(1z5mqp453ed%20snp55rrgict55))/reference/referencespapers).
- Mohammadigundareh, P. (2012). Relationship between identity and thinking styles and students' accountability. *Journal of Behavioral Sciences*, 4(13), 133-144. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=412639>
- Movahedi, A. (2021). Sociology of sports. *Journal of Strategic Sociological Studies in Sport*, 1(1). http://4s.khuisf.ac.ir/article_688544_4dbf47d9f178cc3010b6fff1d6707eb4.pdf
- Naderian Jahromi, M., & Akhavan, E. (2021). Presenting a model of factors affecting social unrest and its effect on observing behavioral norms in stadiums. *Journal of Strategic Sociological Studies in Sport*, 1(1). http://4s.khuisf.ac.ir/article_688546_81142af37132eed02099da900ecb610f.pdf
- Nazem, F. (2010). Thinking style of the managers and its components in islamic azad university. *Innovation in Management Education (Journal of Modern Thoughts in Education)*, 4(2(14)), 11-27. (Persian) <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=192948>
- Rafeei, F., Nazari, R., & Niazy P. (2022). Presenting the pattern of mentoring behavior of Iranian sports managers: As a strategic behavior. *Journal of Strategic Sociological Studies in Sport*, 2(1). 1-16. (Persian) http://4s.khuisf.ac.ir/article_690124_d7721a8ba75a7dc0853ef539a2e8c0a7.pdf
- Rastegar, A., & Fazeli, M. (2019). Investigating the relationship between philosophical mentality and teachers' level of responsibility. *Sixth National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies*, Tehran. (Persian) <https://civilica.com/doc/768032>
- Santrock, J. W. (2019). *Educational psychology*. (4th Ed.), USA, New York: McGraw Hill.
- Schein, E. (1985). *Organizational culture and leadership: A dynamic view*, San Francisco: Jossey-Bass. DOI: <https://doi.org/10.15446/innovar.v30n77.87455>
- Sarbaz, M., Banaye Yazdipour, A., & Kimiafar, K. (2019). Use of social networks for learning purposes among medical and paramedical sciences students, Mashhad, Iran. *Studies Health Technology Information*, 258, 105-109. (Persian) <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/30942724/>
- Sternberg, R.J., & Zhang, L.F. (2019). *Perspectives on the Nature of Intellectual Styles*. First edition, New York: Springer Publishing Company.
- Steers, R. M., Mowday, R.T., & Shapiro, D.L. (2014). The future of work motivation theory. *Academy of Management Review*, No. 29, 379-387.
- Sollova, D. (2019). *Organizational socialization process and its impact on new employees' job satisfaction, commitment, and retention intentions: Experiences from the banking Sector in Kosovo*. Thesis. Rochester Institute of Technology. Accessed from <https://scholarworks.rit.edu/theses/10222/>
- Solk, N., & Atashpur, S.H. (2011). The relationship between leadership style and thinking styles in managers. *Fourth International Management Conference*, COI: IRIMC04_011. (Persian) <https://civilica.com/doc/39946/>